



7 می 2016



داکتر سید عبدالله کاظم

تکمله ای بر: "لقب سرداری و معنی آن"

مقاله محترم جناب زمري کاسی را تحت عنوان "محمد داوود خان و محمد نعیم خان یا سردار محمد داوود و سردار محمد نعیم" منتشره این پورتال خواندم که شرح رویداد آن از یکطرف دلچسپ و از طرف دیگر تا حدی وجه تاریخی داشت، تاریخی به این زعم که: اول - آیا خانواده شاهی بر طبق فرمان از پرداخت مالیات معاف بودند؟ اگر معاف بودند، چرا؟! دوم - متن نوشته محمدنعیم خان مهر تائید بر درخواست رسمی آن دو برادر میگذارد که به ستره محکمه افغانستان مبنی بر انصراف از عضویت خانواده سلطنتی پس از انفاذ قانون اساسی 1343 ارائه داشتند، ولی به این درخواست شان وقعی گذاشته نشد. توجه شود به متن ذیل که بقلم محمد نعیم خان در مقاله محترم کاسی نقل شده است: «خانواده های محمد داوود و محمد نعیم مربوط خاندان سلطنتی نیستند و ذریعه ای مکتوب جداگانه در سال 1343 به ستره محکمه نوشته شده است که ما را مانند هر فرد دیگر افغان تبعه ای افغانستان دانسته و نه از مربوطین خاندان شاهی و سلطنتی و از هیچ جهت نباید از امتیازات خاندان شاهی به ما عنایت گردد بلکه تعاملات در مقابل ما مانند هر فرد افغان دیگر صورت گیرد، لذا این مکتوب را حفظ و مکتوب دیگری به صورت فوری به گمرکات داده تا مالیات و محصول موثر پرداخته شود.»

با این تذکر ضمنی برمیگردم به موضوع لقب "سردار" که محترم کاسی صاحب در مقاله خود از دوستان خواهش کرده اند تا درباره سوابق لقب "سرداری" ابراز نظر نمایند. جناب استاد سیستانی در ستون نظر سنجی شرحی مستندی درباره تاریخچه این لقب ارائه داشتند که جنبه های تاریخی آنرا توضیح فرمودند. اینجانب نیز خواستم تکمله مختصری بر آن بنویسم تا وجه قانونی این لقب به استناد نظامنامه مربوطه از آغاز سلطنت اعلیحضرت غازی امان الله شاه نیز روشن گردد.

نخست میخواهم برای مزید معلومات متن نوشته محترم سیستانی صاحب را برگرفته از ستون نظر سنجی در اینجا اقتباس دارم تا گذشته های تاریخی موضوع از نظر نیفتد:

«از قلم دوست دانشمند جناب زمري کاسی امروز مقالتی در مورد لقب سرداری محمد داوود خان و محمدنعیم خان خواندم که برایم دلچسپ بود. من نیز تا همین سالهای اخیر فکر میکردم، که کلمه سردار مختص به خاندان سلطنتی و طایفه محمدزائی است و کسی دیگری حق استفاده از این لقب را ندارد، در حالی که چنین نیست. بعد از مطالعه کتاب سراج التواریخ، از قلم فیض محمد هزاره، و بدنبال آن پس از ترجمه و نشر کتاب الفستون (بیان سلطنت کابل) بزبان پشتو در

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

سال 1361، به این نکته متوجه شدم، که کلمه سردار، یک اصطلاح نظامی معادل جنرال انگلیسی است که در ایران عهد صفوی به سران بزرگ نظامی تفویض میشد و نادرشاه افشار، به برخی از سران نظامی و لشکری افغانی نیز تفویض کرده بود. احمدشاه درانی به تقلید از نادرشاه افشار و بقیه شاهان سدوزائی و محمدزائی تا عهد امیر عبدالرحمن خان در افغانستان این لقب را بجای کلمه جنرال، به برخی سران نظامی ویا سران ملکی همراه با امتیازات مادی تفویض کرده بودند و فکر میکنم که در عهد امیر حبیب الله خان و دوره امانی به جای لقب سرداری که یک رتبه نظامی بود، کلمه سپه سالار و نایب سالار بعداز کرنیل و جرنیل (کنل و جنرال) بیشتر رایج شد. در عهد صدارت داودخان برای اردوی افغانستان القاب جدید نظامی با درجات متفاوت از بریدمن تا برید جنرالی و ستر جنرالی بزبان پشتو وضع و معمول گردید و دیگر به کسی برتبه یا لقب سرداری نامیده نشد. چند مورد مهم از قول الفنستون در زیر آورده میشود:

الفنستون مورخ و دیپلمات انگلیس در کتاب خود به نکته جالبی اشاره کرده میگوید: «سران شاخه قوم درانی سردار (ژنرال) خوانده می شوند، در حالی که رئیس شاخه های دیگر اقوام را (خان) می نامند. لقب سرداری متعلق به ارتش [اردوی] شاهانه است و لقب خانی، یک منصب موروثی است. بنابر گزارش الفنستون «هر شاخه قبیله درانی را یک "سردار" (جنرال) اداره میکند که به وسیله شاه از یک خانواده بزرگ انتخاب میشود. بخشهای کوچکتر قومی را "خانان" اداره میکنند. خان را سردار از خانواده معتبر بخش انتخاب میکنند. ملکان و مشران (رئیسان) بخش های کوچکتر را غالباً مردم از خانواده های سرشناس بر میگزینند و سردار، آنان را تأیید میکند، اما آنان هم بیشتر توسط سردار با رعایت رضای مردم انتخاب میگردند.» (بیان سلطنت کابل-افغانان، ترجمه فکرت، ص ۳۶۳)

فیض محمدکاتب هزاره، مؤلف سراج التواریخ، در مورد حاجی جمالخان بارکزائی، جد اعلی خاندان برسراقتدار محمدزائی در افغانستان متذکر شده که: حاجی جمالخان، یکی از چهارده تن سرداران درانی است که نزد نادرشاه «پایه برتری و رتبه سرداری داشتند و اول کسی که احمدشاه را به پادشاهی برداشته و اطاعت و بیعت کرد، او (حاجی جمالخان) بود، و دیگران به پیروی او که نظر به اکثریت قوم و مکنات از همه برتری داشت، پذیرای سلطنت احمدشاه شدند و احمدشاه به پاس این احسان او را خطاب "سرداری" داد و چون به طواف بیت الله مشرف گشت، معروف به حاجی جمال شد و به اسم "سرداری" یاد نشد.» (سراج التواریخ، طبع کابل، ج ۲، ص ۱۹۶)

تا همین اکنون در کشور ما اکثرأ تصور میکنند که کلمه سردار لقب قبیله محمدزائی است. و به همین دلیل وقتی با شخصی از این طایفه روبرو میشوند بلافاصله در مورد ایشان کلمه (سردار) را نیز بکار می برند و طرف با شنیدن کلمه سردار در خود احساس بزرگواری نسبت به دیگران میکند. حال آنکه بنابر تذکر الفنستون کلمه سردار یک لقب نظامی و لشکری بوده است و به معنی "جنرال" در مورد رجال منصوب به سپاه و لشکر شاهانه کار برد داشته است و نه در مورد کل یک طایفه.

تکرار میکنم که در دولت سدوزائی افغانستان این رتبه های نظامی به تقلید از دولت نادرشاه افشار به برخی رجال افغانی که در تقویت لشکر احمدشاه ابدالی نقش موثر داشتند، داده شد. و از آن تاریخ بعد این لقب در برخی از خاندانها بخصوص طایفه محمدزائی افغانستان بطور مورثی باقی مانده است، مگر بسیاری از مردم ما در فهم استعمال آن فاقد درک درست این لقب اند.

لقب سرداری و جنرالی در دوره های حکومت های محمدزائی به برخی از رجال غیر درانی مثلاً: بلوچها (مانند خاندان سردار محمد علم خان سنجرانی بلوچ در نیمروز) و برخی از رجال و سران قوم هزاره (مانند سردار شیرعلیخان هزاره در عهد امیر شیرعلیخان) و در عهد امیر عبدالرحمن خان نیز به برخی از خوانین هزاره داده شده بود، مگر با استعمال آن کسی تصور محمدزائی بودن را بر آنها نکرده و نمیکند و در عین حال این لقب بر کل طایفه شان نیز اطلاق نمیگردد. (ختم نوشته محترم سیستانی صاحب)

پس از بقدرت رسید شاه امان الله به سلطنت همزمان با راه اندازی استرداد استقلال افغانستان، انقلاب قانون گذاری نیز در کشور آغاز گردید و اولین قانون اساسی کشور "نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان" تسوید و پس از تأیید شورای دولت نافذ و بعداً در سال 1301 در لویه جرگه جلال آباد

د پانوی شمیره: له 2 تر7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دلېکنې دلېکنيزې بنې پازوالي دلېکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

تصویب شد. به تاسی از قانون اساسی جدید قدم بقدم عملیه قانون گذاری در ساحات مختلف بر طبق ضرورت به سرعت انکشاف کرد و اجراءات دولت زیر نظم قانونی درآمد، از جمله یکی هم "نظامنامه نشانهای دیشان دولت علیه مستقلة افغانستان" بود که در سال 1299 شمسی نافذ گردید و در سالهای بعدی ضمن تجدید چاپ بعضی ضمایم توضیحی بر آن علاوه شد.

به استناد طبع سوم این نظامنامه که در برج سنبله 1305 در مطبعه شرکت رفیق در 13 صفحه چاپ شده است، نشانهای مهم کشور با خصوصیات و امتیازات مادی و معنوی که در ازای خدمات بزرگ و مهم در عرصه نظامی و ملکی برای مستحقین عنایت میگردد، هریک تحت مواد جداگانه شرح و تنظیم گردیده است که البته نشان "المر"، نشان "سردار"، نشان "استقلال"، نشان "استور"، نشان "وفا"، نشان "لوی خان" و نشان "شجاعت" شامل آنها میباشند. نشانهای المر و سردار به حیث دو نشان فوق العاده دولت هریک به درجات "اعلی" و "عالی" و سائر نشانها به درجات اول تا چهارم از نظر امتیاز و اهمیت تقسیم شده اند که جزئیات هریک را میتوان از مواد نظامنامه مربوطه برشمرد. متن نظامنامه ذیلاً تقدیم میشود:

نظامنامه نشانهای دیشان دولت علیه مستقلة افغانستان

(نشان المر)

- ماده 1 - نشان المر از بزرگترین نشانهای افغانی است.
- ماده 2 - نشان المر برای افغانان و اجانب که یک خدمت فوق العاده عسکری و یا سیاسی ابراز کنند و این خدمت بتأمین سلامت حالی و مستقبل افغانستان و بتوسیع حدود شوکت و عظمت آن متعلق باشد، بتقدیر جلایل پادشاهی احسان فرموده میشود فقط، در خصوص احسان این نشان مقام صدارت و دیگر نظارت ها [در آنوقت وزارت ها هنوز تشکیل نشده بودند و بجای آن نظارت گفته می شد] به عرض کردن بحضور شاهانه صلاحیت ندارند.
- ماده 3 - هرکدام شخص از افغانیان و یا از اجانب که در خدمت افغانستان هستند، بدرجه اعلاى این نشان کسب استحقاق بکنند، با نشان مذکور پنجصد جریب و برای کسیکه درجه اعلاى این نشان را کسب استحقاق نماید، دوصدو پنجاه جریب اراضی عنایت فرموده میشود.
- برای درجه اعلاى این نشان بیست و پنج هزار روپیه و برای درجه عالی پانزده هزار روپیه مکافات نقدیه نیز اعطا فرموده میشود. اراضی مذکور (وقف اولاد) گردیده، به عائله صاحب نشان انتقال میکند، اما اجازه فروش ندارند.
- ماده 4 - حکم داران و رئیسان دول اجنبیه که بخیر و نفع افغانستان معاونت عظیم برسانند، بایشان درجه اعلاى این نشان اهدا کرده میشود.
- ماده 5 - نشان المر دو درجه دارد: (اعلی) و (عالی)، هر درجه این نشان از چهار پارچه مرکب است:

نشان المر اعلی:

- پارچه 1 - شمسکه که اصل نشان است و بطرف راست کلاه نصب میشود.
- پارچه 2 - پیک که یا بحمایل و یا بگردن تعلیق میشود.
- پارچه 3 - علاقه که در گردن انداخته میشود.
- پارچه 4 - کوسی که پوشیده میشود.

نشان المر عالی:

- پارچه 1 - شمسه که اصل نشان است و به سینه چپ نصب میشود.
- پارچه 2 - پیک که بحمايل يا بگردن انداخته میشود.
- پارچه 3 - جيغه سفيد که برکلاه نصب میشود.
- پارچه 4 - کوسی که پوشیده میشود.

ماده 6 - در همه مراسم رسمی که لباس پوره رسمی پوشیده میشود، تعلیق کردن همه پارچه های این نشان و پوشیدن کوسی شرط است.

ماده 7 - نشان المر برای یادگاری به عائله انتقال میکند، لکن فرزند اکبر را حق تعلیق داده نمیشود.

ماده 8 - برای حکمداران و رئیسان دول اجنبیه که نشان المر احسان فرموده میشود، مکافات نقدی و اراضی داده نمیشود.

(نشان سردار)

ماده 1 - نشان سردار برای افغانان و اجانب که یک خدمت فوق العاده سیاسی و یا ملکی و یا عسکری ابراز کنند و این خدمات به خیر و منفعت حالیه و استقبالیه افغانستان متعلق باشد، راساً و یا لدی العرض [بنابر درخواست مقامات ذیصلاح دولت] از طرف ذات شاهانه اعطا و احسان فرموده میشود.

ماده 2 - همچنین که برای حکمداران اجنبی که در حق دولت علیه افغانستان دوستی و آثار مخادنت [خدمتگذاری] ابراز نمایند، از درجه اعلاي نشان سرداری اهدا کرده میشود. به اکابر ملکی و عسکری اجنبی نیز از درجه اعلی و یا از درجه عالی اهدا کرده میشود.

ماده 3 - نشان سردار بنام درجه (اعلی) و درجه (عالی) دو درجه است.

ماده 4 - درجه اعلاي این نشان سرداری از سه پارچه مرکب است:

- پارچه 1 - شمسه که به سینه چپ نصب میشود.
- پارچه 2 - پیک ه به حمایل معلق است.
- پارچه 3 - جيغه سرخی که به بالای کلاه نصب میشود.

ماده 5 - درجه عالی نشان سرداری از دو پارچه مرکب است:

- پارچه 1 - شمسه که به سینه چپ زده میشود.
- پارچه 2 - عبارت از پیک است که به حمایل معلق است.

ماده 6 - با لباس پوره رسمی که در کافه مراسم پوشیده میشوند، نشان مذکور را با تکمیل تفرعاتش آویختن شرط است.

ماده 7 - افغانان که به ایشان نشان سرداری احسان کرده شده است، در عین زمان، لقب سرداری را حائز میشوند. اجانب اگر در فرمان پادشاهی صراحتاً موجود است، آنوقت صلاحیت حائز شدن لقب سرداری را دارند و الاخیر.

ماده 8 - نشان سرداری برای یادگار به عائله انتقال میکند، مگر فرزند اکبر را حق آویختن داده نمیشود و هیچکدام از فرزندانش لقب سرداری را مالک نمیشوند.

د پانو شمیره: له 4 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

(نشان استقلال)

- ماده 1 - نشان استقلال، باستحصال استقلال و آزادی افغانستان یک خاطره قیمت دار است.
- ماده 2 - نشان استقلال خاصه یک نشان عسکری است، گویا که این بموظف بودن اردو بوظیفه مقدسه محافظه شوکت و استقلال افغانستان دلیل است.
- ماده 3 - نشان استقلال در وقت حضر برای ضابطانیکه در تعلیم و تربیه محافظه انتظام و مکملیت قطعه خود فوق العاده صرف مساعی نمایند و درکافه وظایف خود آثار رویت ابراز کنند، احسان میشود. در وقت حرب برای ضابطانیکه قطعه خود را بصورت خوبی مکملاً سوق و اداره نمایند و خارق العاده شجاعت و مردانگی را ابراز بکنند و تعرض یک قطعه دشمن را که بزرگتر از قطعه خود بود، طرد نمایند و یا بواسطه هجوم بگرفتن یک موضع دشمن موفق میشوند و یا بطریقه دشمن را اسیر نمایند، احسان و اعطا فرموده میشود.
- ماده 4 - اگر از اشخاص ملکی نیز در وقت حرب داخل عسکری گردیده ابراز خدمت خارق العاده نمایند، برای آن نیز نشان مذکور احسان فرموده میشود.
- ماده 5 - نشان استقلال تنها برای آن ضابطان اجنبی که در داخل اردوی افغانستان خدمت نمایند و یا برای آن ضابطان دولت اجنبی که متفق افغانستان باشند، اعطا فرموده میشود.
- ماده 6 - نشان استقلال دو نوع است، حربی و حضری؛ هر نوع آن بچهار درجه منقسم است.
- درجه 1 - نشان استقلال عبارت از یک شمسه و از یک پیک است، شمسه به سینه زده و پیک بحمایل آویخته میشود. درجه 2 - هم عبارت از یک شمسه و از یک پیک است مگر شمسه بسینه زده و پیک او بگردن آویخته میشود. درجه 3 - آن یک پارچه است که به گردن آویخته میشود. درجه 4 - عبارت از پارچه ایست که بسینه چپ زده میشود.
- ماده 7 - بین نشان استقلال حربی و حضری در شکل پارچه هیچ فرق نیست، تنها به نشان حربی دو شمشیر برهنه علاوه کرده شده است.
- ماده 8 - در وقت حضر برای ارکان از درجه اول و دوم و برای امراء از درجه سه و برای ضابطان از درجه چهار نشان استقلال حضری اعطا فرموده میشود، در وقت حرب هر ضابط بلا تفریق رتبه، نظر به فداکاری و خدمات فوق العاده خود به نشان استقلال حربی کسب استحصال کرده میتوانند.
- ماده 9 - با نشانهای استقلال حربی سالانه مکافات نقدی هم بقرار ذیل داده میشود: با درجه اول سالانه یکهزار روپیه؛ با درجه دوم سالانه چهارصد روپیه؛ با درجه سوم سالانه دوصد روپیه؛ با درجه چهارم سالانه یکصد روپیه.
- ماده 10 - نشان استقلال حربی برای یادگاری به عائله انتقال میکنند، درجه اول و دو بعد از اجازه حضور و سوم و چهارم بعد از اجازه ناظر حربیه به فرزند اکبر حق آویختن احسان فرموده میشود. مکافات نقدیه سالانه بقرار شرعی در میان ورثه تقسیم کرده میشود، مگر بعد از شصت سال مکافات نقدیه سعی خزینه میشود.
- ماده 11 - بضابطان اجنبی که نشان استقلال احسان فرموده میشود، مکافات نقدیه داده نمیشود.

(نشان استور)

- ماده 1 - نشان استور برای افغانانیکه برای افغانستان صادقانه خدمت ایفاء کنند، راساً و یا لدی العرض از طرف ذات شاهانه احسان فرموده میشود.
- ماده 2 - نشان استور برای اشخاص ملکی و عسکری اجنبی که از خیرخواهان سلطنت افغانستان هستند، نیز اهداء فرموده میشود.

د پانوی شمیره: له 5 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

ماده 3 - این نشان از شمس و حمایل مرکب بوده، شمس مذکور به سینه چپ زده میشود.

(نشان وفا)

ماده 1 - نشان وفا برای اشخاصیکه در آغاز جلوس با استقلال اعلیحضرت همایونی با اعلیحضرت شهریاری کمر همت و وفاداری بسته اند، داده شده و برای اشخاصیکه در آینده برحق اعلیحضرت همایونی شهریاری آثار وفا و اخلاص ابراز نمایند، به تقدیر اعلیحضرت شهریاری احسان فرموده میشود.

ماده 2 - نشان وفا در آینده به سه درجه منقسم است: درجه یک، دو و سه. کسانیکه استحقاق نشان وفا را پیدا میکنند، از حضور همایونی برای درجه اول صد جریب، برای درجه دوم پنجاه جریب و برای درجه سوم بیست جریب اراضی احسان فرموده میشود و حق فروش را ندارد. بعد از وفات صاحب نشان وقف اولاد گردیده، به عائله او انتقال میکند.

ماده 3 - نشان وفا از یک پارچه بوده بطرف چپ سینه آویخته میشود.

ماده 4 - نشان وفا بر عائله صاحب نشان انتقال میکند و بعد از اجازه حضور به اکبر اولاد حق تعلیق داده میشود.

ماده 5 - نفری اجنبی که مستحق نشان وفا شوند، قیمت زمین برای شان احسان میشود.

ماده 6 - کسانیکه در وقت جلوس به استقلال با اعلیحضرت همایونی وفاداری نموده و مستحق نشان وفا گردیده اند، مکافات خدمت شان کرده شده استحقاق زمین را بموجب نظامنامه هذا ندارند.

(نشان لوی خان)

ماده 1 - افغانیکه خدمات فوق العاده وطن پرورانه ابراز نموده ترقیات داخلیه افغانستان را تأمین و در میان افغانیان مناسبات اخوت کارانه صمیمانه را تولید کرده اند، بایشان راساً و یا لدی العرض از طرف جلیل پادشاهی نشان (لوی خان) احسان فرموده میشود.

ماده 2 - کسانی را که نشان لوی خان احسان فرموده میشود، به همراه نشان چهل جریب زمین نیز عنایت فرموده میشود. این اراضی در صورت وقف اولاد به عائله صاحب نشان انتقال میکند.

ماده 3 - نشان لوی خان بر اولاد صاحب نشان انتقال میکند و بعد از اجازه ناظر داخله بر فرزند اکبر حق تعلیق داده میشود.

ماده 4 - نشان لوی خان عبارت از شمسیه ایست که بطرف راست سینه نصب میشود.

(نشان شجاعت)

ماده 1 - نشان شجاعت برای افراد و ضابطان عسکری که در محاربات ابراز شجاعت و فداکاری نموده اند، اعطا فرموده میشود.

ماده 2 - نشان شجاعت به سینه چپ آویخته میشود، به اولاد صاحب نشان انتقال میکند و بعد از اجازه ناظر حربیه به فرزند اکبر حق تعلیق داده میشود.

درباب زمین و تنخواه و انعام که به قسم عطیه با نشان معین شده، بدون نشان وفا به اجنبی داده نمیشود. افغان (مراد از سکنه افغانستان است هر طایفه که باشند)

ادخال این نظامنامه را در جمله نظامنامه دولت و اجرای احکام آنرا اراده میکنم.

فقط الغازی امیر امان الله

د پانوی شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

(یادداشت: در نظامنامه فوق بعداً ضمایمی علاوه گردیده که نسبت اختصار از ذکر آنها در اینجا صرف نظر گردید - نویسنده)

از ورای نظامنامه فوق در باره لقب سرداری به وضاحت چند موضوع ذیل آشکار میگردد:

- 1 - از نگاه حیثیت این نشان بعد از نشانهای المراحی و المراحی قرار دارند.
- 2 - این نشان نیز به دو درجه یعنی سردار اعلی و سردار عالی تقسیم میشود.
- 3 - دارنده نشان حق دارد لقب سرداری را جزء نام خود سازد.
- 4 - فرزندان او حق ندارند از این لقب برای خود استفاده نمایند یعنی این لقب منحصر به شخص گیرنده نشان بود و غیرقابل انتقال به فرزندان است.
- 5 - با انفاذ این نظامنامه تعامل سابق که لقب سرداری بیک خانواده و یا قوم خاص اطلاق گردد، قانوناً پایان یافته تلقی میشود، مگر در عمل این تعامل که به هر شخص منسوب به قوم محمد زانی و آنهاییکه خود را بیک حلقه خاص آن قوم منسوب میدانند از انوقت تا امروز بین مردم باقی مانده که از نظر قانونی قابل توجیه نمیشود.

(پایان)

د پانو شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ